

### شیطان هنگام مرگ

در روایات آمده، هنگام مرگ انسان، شیطان به سراغ او می‌آید و باهر وسیله و نویدی می‌خواهد او را دو دل کرده و ایمانش را بگیرد، ولی مؤمن واقعی او را خوب می‌شناسد و ابدًا به وعده‌های او دل خوش نمی‌کند.

ابن خدیجه می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام فرمود: تمام کسانی که در آستانه مرگ قرار می‌گیرند، ابلیس یکی از ماء‌موران خود را و می‌دارد که نزد او برود و او را به کفر بخواند. او هم آن قدر شبیه در دین او وارد می‌کند که با دو دلی روحش از بدنش جدا می‌شود، ولی مؤمن حقیقی نمی‌گذارند شیطان بر گرده او سوار شود.

بنابر این، هر دیدار کننده با بیمار در حال مرگ باید شهادت به توحید و نبوت را به وی تلقین نماید و: «لا اله الا الله محمد رسول الله» را به او یاد آورد شود تا آن که بیمار جان دهد. (۲۸۲)

در اسلام سفارش شده که هنگام دیدار با بیمار نباید به حالت جنب رفت و نیز موقع داخل شدن بر میت باید شخص با وضو باشد، سوره «یس» و «وصافات» را بخواند، دعای عدیله بخواند، اطاق رامعطر کنند، چون زمان فرود آمدن ملائکه است و آنها از بوی عطر خشنود می‌شوند و شیاطین از بوی عطر و قرآن خواندن و بسم الله گفتن ناراحت می‌شوند و بیرون می‌روند.

### شیطان پاسبان شب می‌شود!

اصبغ بن نباته از امیر المومنین نقل می‌کند که فرمود: سوگند به آن کسی که محمد را به حقیقت برانگیخته و خاندانش را گرامی

داشته، هیچ چیز از وردها و دعاها نیست که شما آنها را بجوید از برای محافظت مرض و از سوختن، غرق شدن، دزدی، گمشده و گریختن چهارپایان، مگر این که در قرآن است. هر که خواهد از من بپرسد - تا به او جواب گویم.

مردی برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین برای ایمنی از دزد اگر آیه‌ای در قرآن است، به من بگو، زیرا که پیوسته شب‌ها از من دزدی می‌شود.

فرمود: چون به بستر خواب رفتی - این آیه را تا آخر سوره بخوان :-  
﴿قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا...﴾ تا آن جا که می‌فرماید: و کبره تکبیرا. (۲۸۳)

و پس از آن فرمود: هر کس در بیابان خالی از سکنه شبی را به سر برد آاین آیه را خواند:

﴿ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی سته ایام ثم استوی علی العرش...﴾ تا آن جا که می‌فرماید: ﴿تبارک الله رب العالمین﴾ (۲۸۴) فرشتگان او را محافظت کنند و شیاطین از او دور گردند.

بعد آن مرد به مسافرت رفت، به ویرانه‌ای رسید، شب را در آن جا خوابید، ولی این آیات را نخواند. شیطان به سراغ او رفت و بینی او را گرفت. در این حال رفیق شیطان به او گفت: او را مهلت بده، آن مرد - از این حرف - بیدار شد و آیه را خواند، همان آیه‌ای را که امیرالمؤمنین فرموده بود.

در این حال شیطان به رفیقش گفت: خدا بینی تو را به خاک مالید. اکنون باید تا به صبح او را پاس داری کنی. چون صبح شد. نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و جریان را گفت: بعد از آن عرض کرد: یا علی در سخن شما شفا و راستی یافتم. وقتی آفتاب بالا آمد به آن جا رفت و جای موهای شیطان را در زمین دید. (۲۸۵)

بلی، اگر کسی به آیات قرآن معتقد باشد، و آنها را «وحی» و از جانب خدا دانسته و بداند که خواندن آنها اثر دارد و با همان اعتقاد بخواند اثر خواهند داشت.

اگر چه بعضی معتقدند که هر چه باید واقع شود، می‌شود و

چیزی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد، ولی خداوند متعال خودش در قرآن می‌فرماید:

«يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ مَا يُعِدُّهُ ام الْكِتَابِ».

«خداوند هر چه را که بخواهد - از چیزهایی که برای انسان مقدر کرده مآحو و نابود می‌کند و چیزهای دیگر را به جای آنها برقرار می‌کند و پیش‌خدا است ام‌الکتاب (لوح محفوظ)» (۲۸۶)

### شیطان و ربا خواران

یکی از گناهان کبیره در اسلام، رباخواری است که خداوند به خورندگان آن وعده عذاب داده و آن را از هر گناهی بزرگتر به حساب آورده است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ربا هفتاد نوع است و کوچکترین آن پیش‌خدا مانند کسی است که با مادر خود نزدیکی کرده باشد. (۲۸۷)

روایتی دیگر از جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام می‌گوید آن حضرت فرمود: یک درهم ربا پیش‌خدا از هفتاد زنا که تمام آنها با محارم انسان در بیت الله الحرام انجام شده باشد، بزرگتر است. (۲۸۸)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده: وقتی مرا به آسمان بردند، مردانی را دیدم که شکم آنها مثل خانه‌هایی است که پر از مارها باشند و از بیرون داخل آنها پیدا است. پرسیدم: ای جبرئیل! اینان چه کسانی هستند؟ گفت: این‌ها ربا خواران اند. (۲۸۹)

و به گفته قرآن: ربا خواران روز قیامت بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که شیطان آنان را مس کرده باشد. (۲۹۰)

علامت ربا خواران این است که شیطان، هم در دنیا و هم در آخرت آنان را مس می‌کند و حالت جنون و صرع به آنها دست می‌دهد. تعادل خود را از دست می‌دهند و مانند دیوانگان به این طرف و آن طرف می‌افتند.

درباره مس شیطان در دنیا، روایتی از امام صادق علیه السلام هست که گوید: رباخوار از دنیا بیرون نمی‌رود، مگر این که به نوعی از جنون دچار خواهد شد.

این روایت، مس شیطان در دنیا را بیان می‌کند: در همین دنیا ربا خوار، اگر چه یک روز به آخر عمرش باقی مانده باشد، به صرع و جنون و از کار افتادن مغز گرفتار می‌شود. (۲۹۱)

و اما مس شیطان بر رباخوار، در آخرت این که مال ربایی و ثروت حرامشان و بال آنان خواهد شد. حدیثی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: هنگامی که به معراج رفتم، دسته‌ای از مردم را دیدم که شکم آنان بس بزرگ بود، هر چه تلاش می‌کردند برخیزند و راه بروند، برای آنان ممکن نبود و پی در پی به زمین می‌خوردند. از جبرئیل پرسیدم این چه افرادی هستند؟ و جرمشان چیست، جواب داد: این‌ها ربا خواران هستند. (۲۹۲)

هم چنین ممکن است روز رستاخیز و هنگام زندگی در آن جهان در شکل دیوانگان و مصروعان محشور شوند!

شیطان، اول انسان را به ربا گرفتن وادار می‌کند و در آخر عمر هم او را به جنون و دیوانگی و از کار افتادن مغز دچار می‌نماید. در قیامت هم بی‌اختیار شدن و پی در پی به زمین خوردن و در آخرین مرحله هم انسان را محکوم کردن و گناه را به گردن او انداختن است.

### شیطان و شراب خواران قمار باز

از جمله چیزهایی که شیطان را به سرمایه گذاری روی آن تشویق می‌کند، اختلاف انداختن در میان مردم است، چون بر اثر دشمنی، آمد و شدها قطع شده و اختلاف و جدایی پدید می‌آید. در نتیجه به زد و خورد و کشت و کشتار، می‌انجامد و مایه خرسندی او می‌گردد.

به طوری که قرآن گفته: عداوت و دشمنی از شراب و قمار

ناشی می‌شود. (۲۹۳) انسان شراب خورد عقل خود را از دست می‌دهد و دیگر کسی را نمی‌شناسد، مانند حیوان درنده به همه افراد حمله می‌کند و آنها را می‌زند، مجروح کرده و می‌کشد. تاریخ به یاد دارد، کسان زیادی که در اثر شرب خمر کشته و مجروح شده‌اند. و قمار باز، وقتی باخت دشمنی برنده را در دل می‌گیرند و در کمین می‌نشینند، هر وقت فرصت پیدا کرد انتقام خود را از وی می‌گیرد.

قمار باز چندین ساعت تمام حواس خود را جمع کرده تا بر حریف خود غالب شود. او به هیچ چیز جز برنده شدن نمی‌اندیشد، اگر ناکام بماند باتنی رنجور و اعصابی در هم ریخته به مردم پرخاش می‌کند و ناسازگاری می‌نماید و اگر خسته به خانه و بازار رود. دیگر تحمل شنیدن هیچ چیز را ندارد و حاضر است به بهانه‌های پوچ زمینه‌ای فراهم شود که با مردم نبرد کند، همان چیزی که شیطان به دنبال آن است.

طبق گفته قرآن و اخبار: چند چیز از خواسته‌های شیطان است. مانند شراب و قمار، بت پرستی و بخت آزمایی، بازی با شطرنج و حتی بازی بچه‌ها با پول و گردو. کسانی که این بازی‌ها را می‌کنند، سینه خویش را برای شیطان لانه کرده‌اند نه نام خدا و رحمان.

تا به کی ابلیس را بر عرش یزدان راه دادن

از چه دیو دزد را بر گنج دل محرم نمودن

شیطان عاقبت را از آن اغنیا می‌داند!

امام صادق علیه السلام فرمود: در بنی اسرائیل عابدی بود که مکرر می‌گفت «الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین». شیطان از مداوت او بر این گفتار در خشم شده و شیطانی را نزد او فرستاد و به او گفت بگو: «و العاقبه للاغنیاء» یعنی عاقبت نیکو از برای توان گران است.

چون شیطان پیش عابد آمد و این را گفت: میان او و عابد مؤمن نزاع درگرفت قرار گذاشتند نخستین کسی را که ببینند، از او بپرسند و به نظر اوراضی شوند. به شرط این که نظر هر کدام موافق بود، او دست دیگری را قطع کند. کمی رفتند تا به شخصی رسیدند که از شیاطین بود به شکل انسان از او پرسیدند: آیا عاقبت نیک از آن پرهیزگاران است یا توان گران؟

گفت: عاقبت نیکو مال توان گران است. چون شیطان این را شنید فوراً دست عابد را قطع نمود. باز عابد می گفت: «الحمد لله رب العالمین و العاقبه للمتقین».

شیطان ناراحت شد و گفت: هنوز همین را می گویی؟ باز میان آن دو، مشاجره شد. این بار نیز قرار گذاشتند از اولین کسی که می بینند بپرسند. بار دیگر شیطان مجسم شد. چون قضیه را برای او گفتند، گفته شیطان راتاء یید کرد، و گفت: «والعاقبه للاغنیاء».

شیطان دست دیگر عابد را قطع نمود. باز هم عابد آن جمله را زمزمه می کرد که مرتبه سوم نزاع میانشان واقع شد. این دفعه قرار شد به اول کسی که برخورد کنند و وی به نفع هر کس قضاوت نماید او گردن دیگری را بزند. پس خداوند ملکی را به صورت شخصی فرستاد. چون قضیه را مطرح نمودند. آن شخص گفت: عاقبت نیکو برای تقوا پیشگان است و فوراً دست های آن عابد را به جای خود گذاشت و دست بر آن مالید سالم شد او هر گردن شیطان را زد.

از آیات و روایات به دست می آید که فقط پرهیزگاران رستگار می شوند و اعمال آنان مورد قبول است. قرآن هم با صراحت می فرماید: «انما يتقبل الله من المتقین»

«همانا خداوند اعمال صالح را از افراد متقی قبول می کند» (۲۹۴).

مهر شیطان بر پیشانی این شخص

انس بن مالک نقل می کند: در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله

و سلم مردی بود که از عبادت و کوشش او در نماز تعجب می کردیم. نام و کیفیت عبادتش را به عرض مبارک آن حضرت رساندیم. حضرت او را نشاخت، هیکل و قیافه اش را شرح دادیم باز نشاخت. در همین بین خودش از راه رسید. ما عرض کردیم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آن شخصی که گفتیم همین فرد است.

فرمود: شما از کسی می گوید که در پیشانیش مهر شیطان است. آن شخص وقتی که به ما رسید سلام نکرد؟! حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: تو را به خدا راست بگو، وقتی به این جمع رسیدی با خود نگفتی که در بین این هایک نفر از من بهتر نیست؟

جواب داد: بلی، صحیح است. آن گاه برای ادای نماز حرکت کرد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه کسی می تواند این مرد را بکشد؟ ابوبکر گفت: من. حضرت فرمود: برو او را بکش، او هم به راه افتاد. وقتی که درون مسجد رفت، آن مرد در نماز بود. با خود گفت: «سبحان الله» مردی را در نماز بکشم؟ با این که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از کشتن نمازگزار نهی فرموده است. وقتی ابوبکر برگشت، فرمود: چه کردی، عرض کرد: یا رسول الله! او مشغول نماز بود و به فرموده شما نمازگزار را نباید کشت. باز فرمود: چه کسی می رود او را بکشد؟ عمر برخاست و گفت: من. اجازه گرفت و رفت. وقتی به آن مرد رسید او را در حال سجده دید. گفت: ابوبکر از من بهتر است او این کار را نکرد، عمر هم برگشت. حضرت پرسید چه کردی؟ گفت: او را در سجده دیدم، لذا از کشتن او صرف نظر کردم.

برای بار سوم حضرت فرمود: چه کسی آن شخص را می کشد؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! من او را می کشم. فرمود: حرکت کن و او را بکش.

حضرت علی علیه السلام حرکت کرد. وقتی درون مسجد رفت، آن مرد بیرون رفته بود. علی علیه السلام برگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: یا علی! چه کردی؟ عرض کرد: یا رسول الله! او رفته بود. آن جناب فرمود: اگر او امروز کشته می شد دو نفر از امت من با

هم اختلاف نمی کردند. (۲۹۵)

آن مرد ذوالشديه (۲۹۶) است که در اثر سجده پیشانی او پینه بسته بود. وی در جنگ نهروان فرمانده و در رأس فتنه بود! و با ۱۲ هزار نفر در مقابل لشکر حضرت علی علیه السلام صف کشیدند و جنگ نهروان را برپا کردند. لشکریان حضرت علی او و چهار هزار نفر از طرف دارانش را در کنار نهر به هلاکت رسانیدند و بعد از جست و جو پیکر کثیف او را در آب یافتند.

### شیطان پرستان

دانشمند بزرگ مصری «محمد فرید وجدی» در کتاب دائرةالمعارف خود نوشته است: در جزیره «مرتیک» طایفه‌ای بودند به نام «اتباع خناس». آنها شیطان پرست بودند. در آن جا کوهی بود که به سبب آتشفشانی بیست هزار نفر از بین رفتند. از جمله کسانی که نجات یافتند، همین شیطان پرستان بودند. از آن پس «معبد» خود را از آن جا به نیویورک برده، به طور مخفی و برای اینکه کسی آنها نشناسد - که شیطان پرست هستند در آن جا زندگی می کنند، تا این که «اسعد افندی» مالکی با یکی از رؤسای آنها دوست شد و به هر وسیله بود به «معبد» آنها رفت و گفت: در آن جامجمه شیطانی به رنگ سرخ و دارای دو شاخ و دم طولانی بود که همانند افعی غضب ناک به نظر می رسید. شیطان پرستان در اواخر شب مشغول عبادت ابلیس می شدند. «افندی» می گوید: در همان شب که من داخل «معبد» آنها راه یافته بودم زنی می خواست به دین آنها در آید. (من در آن هنگام بسیار ناراحت بودم که چطور زن ها را به دام خود می اندازند).

خلاصه، زن نزدیک «مطران» رئیس شیطان پرستان آمد. او به زن دستور داد به نماز ایستد و به رکوع رود. زن رکوع کرد. بعد به او گفت: دست ها را بلند کند، سپس «مطران» به زن چیزهایی تلقین



کرد که از کفر ابلیس هم بدتر بود. ایشان در نماز خود خطاب به مجسمه شیطان کرده و می گوید: ای نور! به احترام و محبت خودت وجود ما را نگه داری کن، چون تو خلاصه و چکیده صلح و صلاحی. تو ای ابلیس! نورابدی هستی، روح و جسم من در اختیار تو است! از یکی شان پرسیدم: چه معنی دارد که شما شیطان را پرستش می کنید و او را خدای خود می دانید؟! گفت: به جهت آن که ما از عبادت ابلیس لذت می بریم، ولی از عبادت خالق منان، آن لذت را نمی بریم. وقتی قانون و کتب دینی و آسمانی خدا را می خوانیم، همه اش ترس و خوف از آخرت است، انسان را از هر چه که لذت و کیف دارد باز داشته، لذا دلهای ما به سوی آنها گرایش ندارد و از عبادت خدا لذت نمی بریم. اما شیطان عکس او است، زیرا تمام چیزهایی را که حرام است، تمام لذتها و اموال و محارم و شهوات را برای ما مباح و حلال کرده، ما هر چه را دوست داریم و میل ما می کشد جایز دانسته، پس عبادت شیطان را بر عبادت خدای رحمان مقدم داشتیم. (۲۹۷)

### جنايات شیطان پرستان

گوشه‌ای از جنايات و کارهای منافی عفت شیطان پرستان را که از زبان دو دختر انگلیسی نقل شده: بیان می کنیم تا ماهیت آنها برای همگان روشن تر شود.

دو خواهر نوجوان پرده از روی کارهای منافی عفت شیطان پرستان مقیم انگلیس برداشتند. و شکایت نامه‌ای را تسلیم مقامات قضایی انگلیس کردند شکایت آنها از والدین خود و جمعی از شیطان پرستان بوده به گفته آنها در یک مراسم مذهبی شیطان پرستان به این دو دختر تجاوز کرده‌اند.

این دو خواهر در زمان وقوع حادثه - که در سال ۱۳۶۱ اتفاق افتاد - فقط ۵ سال سن داشتند. ایشان در اظهارات خود خطاب به دادگاه

عالی جنایی انگلیس اعلام کرده‌اند، در این گونه مراسم، طرف داران این فرقه بدون لباس به رقص و نوشیدن خون خرگوش می‌پردازند. این دو دختر در اعترافات تکان دهنده‌شان در این دادگاه گفته‌اند: شیطان پرستان خرگوش‌ها را به محل مراسم می‌آوردند و آنها را زنده، گردن می‌زدند و خون تازه آنها را می‌نوشیدند.

نیز گفته‌اند: والدین آنها که شیطان پرست‌اند، ایشان را مجبور به نوشیدن خون خرگوش می‌کردند. در مواردی هم به جای خون خرگوش از خون بچه‌های نوزاد استفاده می‌شود و سپس اجساد آنها را می‌سوزانند. گاهی از آنها خواسته شده، در کشتن نوزادان مشارکت کنند.

در این دادگاه، ۵ شیطان پرست از جمله پدر و مادر این دو دختر به ۲۰ فقره جرم، شامل تجاوز جنسی، لواط، اغفال و امثال آنها متهم شده‌اند.

این ماجرا به طور جدی افکار عمومی انگلیس را تکان داد. این گونه‌رخداده‌ها که در انگلیس اتفاق می‌افتد برخی از روشن فکران انگلیسی آنها را به کشورهای جهان سوم نسبت می‌دهند. در بسیاری موارد از آداب و سنت‌های ملت‌ها از جمله مسلمانان حتی رعایت حجاب را برای بانوان به عنوان آداب قدیمی و کهنه و حتی متعلق به عصر بربریت نام می‌برند. (۲۹۸)